Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۳۱۰۷
سه شنبه / ۱۹ آبان / ۱۴۰۵
۳۰ / جمادی الاول / ۱۴۴۸
10 / November / 2026

صاحب امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ناهید حیدری
نشانی: کرج، بلوار نعلبن، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۲۲۸۳۸-۳۲۵۲۴۲۴۴ -۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸

فرار دوم

امروز با حافظ

گر بُود عمر، به میخانه رَسَم بار دگر
بجز از خدمتِ رندان نکنم کار دگر
خُرّم آن روز که با دیده گریان بِروَم
تا زنم آب در میکده یک بار دگر

طراوت

گر ما مقصریم تو بسیار رحمتی
عذری که می‌رود به امید وفای توست

سعدی



اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۱۲	۰۶:۳۸	۱۱:۵۰	۱۷:۰۲	۱۷:۲۱

برگه

کسی که چرایی برای زندگی کردن داشته باشد، از عهده چگونگی آن برخواهد آمد...

ویکتور فرانکل

گزارش روز

از «سی سی» تا «گسلایت»؛

چرا مدل حرف زدن جوانان عوض شده است؟



نسل جدید با واژگانی حرف می‌زند که نسل‌های پیشین گاهی معنایشان را نمی‌فهمند. آیا زبان مشترک میان نسل‌ها در حال از بین رفتن است؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از قرار، بهروز محمودی بختیاری -عضو هیئت علمی دانشگاه تهران- از دلایل این دگرگونی زبانی و پیامدهای آن برای فارسی می‌گوید.

«می‌دانم معادل فارسی دراماکوبین چیست که بار توهین‌آمیز نداشته باشد.» این جمله را یکی از جوانانی می‌گوید که در گفت‌وگوی روزمره خود به‌وفور از واژگان و اصطلاحات انگلیسی استفاده می‌کند. این واژه‌ها حالا صرفا اصطلاحاتی پراکنده در فضای مجازی نیستند و به بخشی از زبان محاوره نسل جدید تبدیل شده‌اند.

گسترش این ادبیات تا جایی پیش رفته که گاهی نسل‌های پیشین در گفت‌وگو با جوانان، حتی با وجود اختلاف سنی نه‌چندان زیاد، بخش قابل توجهی از واژگان مورد استفاده آنان را درک نمی‌کنند. به جز آن گاهی واژه‌های آشنا نیز در ترکیب‌ها و موقعیت‌های جدید معنایی متفاوت پیدا می‌کنند و همین تغییر، فاصله میان نسل‌ها را بیشتر می‌کند. اما این دگرگونی تا کجا طبیعی است و از چه نقطه‌ای می‌تواند به تهدیدی برای زبان و فرهنگ فارسی تبدیل شود؟

«این دراما کوبین بازی‌ها چیه؟»

در جمعی از جوانان، واژگانی به گوش می‌رسد که برای شنونده ناآشناست. چند نفر درباره رفتار یکی از دوستان غایبشان صحبت می‌کنند. یکی از آن‌ها می‌گوید: «من نمی‌فهمم این دراما کوبین بازی‌ها چیست که از خودش درمی‌آورد». معنای «دراما کوبین» چیست؟ یکی از حاضران در پاسخ می‌گوید:

«واقعا نمی‌دانم. شاید بشود گفت کسی که از هر قصه‌ای دراما می‌سازد و فیلم هندی درست می‌کند.» دیگری توضیح می‌دهد: «شاید بشود گفت کسی که از کاه کوه می‌سازد. واقعا هر کلمه‌ای بگویید، حق مطلب را ادا نمی‌کند».

برای اعضای این جمع عجیب نیست که پرسشگر، با وجود اختلاف سنی اندک، تا این اندازه با ادبیات آن‌ها بیگانه باشد. گویی زبان مشترک میان آن‌ها و نسل‌های پیشین، آرام‌آرام از میان رفته است.

رادا، دختر ۱۷ ساله، می‌گوید: «یکی از دلایلی که معاشرت با خانواده برایم سخت است، نبودن زبان مشترک است. ما فانگلیسی حرف می‌زنیم. مگر بد است که زبان و جهان خودمان را داریم؟» این شکاف از چه زمانی شکل گرفته و چه عواملی آن را عمیق‌تر کرده است؟

«بریم کافی بزنیم، سی‌سی؟»

در این جمع دوستانه، نام‌ها نیز با آنچه در شناسنامه ثبت شده تفاوت دارند. بعضی از جوانان نام شخصیت‌های لیمه‌ها را برای خود انتخاب کرده‌اند و در گفت‌وگوهایشان، در کنار واژه‌های فارسی، به‌طور مداوم از اصطلاحات انگلیسی استفاده می‌کنند.

یکی از آن‌ها که بخشی از موهایش را سبز کرده، خود را «سی‌سی» معرفی می‌کند؛ نامی برگرفته از شخصیت محبوبش در لیمه «کد گیاس». دوستش به او می‌گوید: «بریم کافی بزنیم، سی‌سی؟» او در پاسخ می‌گوید: «تا دو دقیقه پیش من را گوست کرده بود، حالا می‌گوید بریم کافی بزنیم».

وقتی از او می‌پرسم چرا به‌جای «نادیده گرفتن» از اصطلاح «گوست کردن» استفاده می‌کند، پاسخ می‌دهد:

«حق مطلب ادا نمی‌شود. ارتباط ذهنی بیشتری با انگلیسی برقرار می‌کنم و حسم راحت‌تر منتقل می‌شود». دوستش میان صحبت‌های او می‌پرد و می‌گوید: «فعلی، الان جهان براساس ترند می‌چرخد. حس رقابت دارد. نباید عقب بمانی».

پارمیس، یکی دیگر از اعضای جمع، نیز معتقد است ناآشنایی با این واژگان به معنای محروم ماندن از بخش مهمی از ارتباطات روزمره در فضای مجازی است.

او می‌گوید: «اگر این کلمات را نشناسید، نصف توییت‌ها و پست‌های فضای مجازی را متوجه نخواهید شد. اما حس می‌کنم شما داری ما را گسلایت می‌کنی» منظورش این است که با پرسش‌های بی‌دربی، در حال القای حس گناه به آن‌هاهستم.

این گفت‌وگو، فراتر از کاربرد چند واژه انگلیسی در مکالمات روزمره، نشانه تغییری در شیوه ارتباط نسل جدید است. در این تغییر، زبان فقط وسیله انتقال معنا نیست، بلکه به ابزاری برای تعریف هویت، تعلق به یک گروه و هم‌گامی با تحولات فضای مجازی تبدیل شده است.

پرسش اصلی این است که چه عواملی به ورود و گسترش این واژگان در زبان محاوره فارسی سرعت بخشیده‌اند و آیا این روند می‌تواند در بلندمدت به تغییر ساختار و تضعیف زبان فارسی منجر شود؟

شبکه‌های اجتماعی: مسیر ورود اصطلاحات انگلیسی به زبان جوانان

بهروز محمودی بختیاری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در پاسخ به این پرسش قرارو که واژگان انگلیسی از چه مسیری وارد زبان محاوره فارسی شده‌اند، گفت: «اصولا ورود این واژه‌های نامتعارف، که از گذشته برای آن‌ها برابرنهادهای فارسی داشته‌ایم، به زبان فارسی، به‌طور مشخص میراث دستاورد فضای مجازی است. این شبکه‌ها در این زمینه نقش قابل توجهی داشته‌اند و به نظر من، ضربه قابل توجهی به پیکره گفتمان زبان فارسی وارد کرده‌اند».

در ادامه این گفت‌وگو، موضوع نقش فیلم‌ها، سریال‌ها و رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور در رواج واژگان انگلیسی مطرح شد. این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در این باره توضیح داد: «فیلم‌ها و سریال‌هایی که از رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور پخش می‌شوند، معمولا به‌صورت حرفه‌ای تولید نمی‌شوند. شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور عمدتا شبکه‌های خبری هستند و شبکه‌های برنامه‌ساز به آن معنایی که ما از این مفهوم در نظر داریم، نیستند. به همین دلیل، ما با حجم قابل توجهی از فیلم‌ها و سریال‌های تولیدشده در خارج از کشور مواجه نیستیم که بتوانند در این زمینه معیار قرارگیرند».

چرا جوانان واژگان انگلیسی را ترجیح می‌دهند؟

یکی از پرسش‌های اصلی این گفت‌وگو، چرایی گرایش نسل جوان به واژگان انگلیسی در شرایطی است که برای بسیاری از این اصطلاحات، معادل‌های فارسی وجود دارد. محمودی بختیاری در این مورد گفت: «متاسفانه حسی که مربوط به سال‌های اخیر هم نیست و از چند دهه پیش، به‌طور مشخص پس از جنگ جهانی دوم، در کشور ما رواج پیدا کرده، این است که تصور می‌کنیم زبان اقوام غالب، مانند آمریکایی‌ها، زبان فناوری، پرستیژ و موفقیت است. به همین دلیل، بسیاری از آن کلمات متاسفانه از آن زمان در زبان فارسی رایج شده‌اند؛ کلماتی مانند «اوکی» که در گفتار روزمره به کار می‌روند».

تصور می‌کنند با واژه‌های انگلیسی امروزی‌تر به‌نظر می‌رسند

او با اشاره به اینکه گسترش فضای مجازی سرعت این روند را افزایش داده است، ادامه داد: «سرعت، شدت و میزان این پدیده با توجه به دسترسی مردم به فضای مجازی بیشتر شده است؛ به‌ویژه در مورد جوانان. گاهی حتی می‌توان با شنیدن اصطلاحاتی که به کار می‌برند، متوجه نشد که منظور آن‌ها چیست».

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران تاکید کرد: «به هر حال، آن چیزی که اهمیت دارد، این است که افراد تصور می‌کنند اگر از واژه‌های بیگانه، به‌ویژه انگلیسی، استفاده کنند، احتمالا امروزی‌تر به نظر می‌رسند، پیشرفته‌تر به نظر می‌رسند و گویی خود را با شرایط دنیای تکنولوژیک تطبیق می‌دهند؛ در حالی که چنین نیست».

آیا واژگان انگلیسی به زبان فارسی آسیب می‌زنند؟

در ادامه گفت‌وگو، از محمودی بختیاری پرسیده شد که آیا گسترش واژگان انگلیسی در محاوره فارسی می‌تواند در بلندمدت تهدیدی برای این زبان باشد. او در پاسخ گفت: «معمولا چنین نیست که ورود واژه‌های بیگانه به زبان فارسی، برای نخستین بار اتفاق افتاده باشد. زبان فارسی تاکنون توانسته است بسیاری از این واژه‌ها را در خود جذب کند و بسیاری از آن‌ها را نیز کنار بگذارد. با این حال، با توجه به اینکه فاصله و تفاوت نسبی میان نسل‌ها در کشور ما بسیار کوتاه شده است، این مسئله می‌تواند نگران‌کننده‌باشد».

این روند ممکن است ارتباط نسل‌ها را مختل کند

محمودی بختیاری در توضیح این موضوع افزود: «اگر زمانی برای اینکه یک نسل از نسل پیش از خود فاصله بگیرد، باید حدود ۲۰ سال می‌گذشت، اکنون ظرف چهار یا پنج سال، یک نسل جدید معرفی می‌شود. این مسئله می‌تواند نگران‌کننده و خطرناک باشد؛ زیرا ممکن است تا اندازه‌ای ارتباط نسل‌ها با یکدیگر را مختل کند».

چرا واژگان عربی در فارسی ماندگار شدند؟

محمودی بختیاری به جایگاه متفاوت زبان عربی در فرهنگ و زندگی دینی ایرانیان اشاره کرد و گفت: «نکته‌ای که وجود دارد، این است که برای مردم ایران که مسلمان هستند، عربی زبان قرآن و زبان دیانت آن‌هاست. مردم ایران، حتی کسانی که کاملا فارسی صحبت می‌کنند، روزی پنج بار نماز عربی می‌خوانند. بنابراین، موقعیت زبان عربی متفاوت است و از قدیم‌الایام، واژه‌های آن با زبان فارسی درهم‌تنیده شده‌اند؛ حتی در مواردی که معنای آن‌ها در فارسی تغییر کرده است».

حافظ و مولانا این واژه‌ها را در زبان فارسی رواج دادند

او سپس میان جایگاه واژگان عربی در آثار ادبی کلاسیک و اصطلاحات رایج در گفتار نوجوانان امروز تفاوت قائل شد و افزود: «ویژگی دوم این است که حافظ و مولانا این واژه‌ها را به کار برده‌اند. این واژگان به‌واسطه کسانی در زبان فارسی رواج پیدا کرده‌اند که آن‌ها را با بهترین معنا و در چارچوب الگوهای زبانی خود به کار می‌بردند، نه به‌واسطه یک پسر ۱۸ ساله که در کوچه ایستاده و یا دختری صحبت می‌کند».

او در ادامه به ماهیت واژگان مورد استفاده در محاوره جوانان اشاره کرد و گفت: «این واژه‌هایی که اکنون در گفتار نوجوانان و جوانان ما به کار می‌روند، واژه‌های علمی یا فنی نیستند؛ بلکه واژه‌های گفتار روزمره‌اند و برای همه آن‌ها نیز برابرنهاد فارسی وجود دارد».

چرا معادل‌های فارسی در جامعه پذیرفته نمی‌شوند؟

او درباره سیاست‌گذاری زبانی گفت: «مشکل هم به نوع اطلاع‌رسانی فرهنگستان مربوط است و هم متاسفانه به رسانه‌ها در همه جای دنیا. فرهنگستان‌ها بازوهای فرهنگی و ادبی جوامع هستند و حکومت‌ها از آن‌ها پشتیبانی می‌کنند. همین اکنون نیز اعضای فرهنگستان با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند».

او درباره کلمات مصوب فرهنگستان که دستاویز شوخی و خنده می‌شوند، گفت: «این موضوع جدیدی نیست».

آیا برای همه واژه‌های بیگانه باید معادل فارسی ساخت؟

او با اشاره بر اهمیت توانایی زبان‌ها برای تولید واژگان تازه گفت: «ماجرا این است که زمانی گفته می‌شد مخترع ماهواره ما نبودیم؛ پس چرا باید برای آن نام فارسی انتخاب کنیم؟ اما می‌توان همین پرسش را درباره بسیاری از چیزهایی مطرح کرد که از فرهنگ ایرانی به فرهنگ‌های خارجی راه یافته‌اند. برای مثال، آیا نخستین کسانی که پیزامه پوشیدند، خارجی‌ها بودند که این واژه را وارد جامعه ما کردند؟»

او در ادامه توضیح داد: «ماجرا این است که کشورهای مختلف دنیا، اگر بخواهند زبانشان زنده، پویا و تپنده بماند، باید برابرنهادهای خود را به‌سرعت تولید و وارد زبانشان کنند؛ در غیر این صورت، پس از مدتی ممکن است فقط فعل‌های زبانشان باقی بماند».

محمودی بختیاری برای توضیح این مسئله به شیوه نگارش و مکاتبات در دوره قاجار اشاره کرد و گفت: «برای مثال، در دوره قاجار، زبان منشی‌ها به گونه‌ای بود که از واژگان و ساختارهای زبان‌های دیگر، به‌ویژه عربی، بسیار استفاده می‌کردند. در نامه‌ها و نوشته‌های آن‌ها، جمله‌ها سرشار از واژه‌های عربی بود و در مورد افرادی که تازه از خارج برگشته بودند، واژه‌های فرانسوی نیز فراوان به کار می‌رفت. در چنین شرایطی، عملا انتظار می‌رفت زبان فارسی جامعه به‌تدریج جایگاه خود را از دست بدهد».

زبان فارسی، شناسنامه نامرئی ایرانیان است

او بر ضرورت تقویت پیوند هویتی مردم با زبان فارسی تاکید کرد و گفت: «ماجرا این است که باید افراد بدانند زبان فارسی هویت آن‌ها و شناسنامه نامرئی‌شان است. همان‌طور که اگر به جایی مراجعه کنید و بخواهید خدماتی دریافت کنید، باید کارت ملی همراه داشته باشید، یک کارت ملی نامرئی نیز دارید که زبان فارسی و هویت ایرانی شماست».



برش

قوه قضاییه، هم با این بانوان برخورد کند و هم با سازمان دهندگان آنها!

تجمع گروهی از بانوان کفن‌پوش مقابل ستاد کل فرماندهی سپاه پاسداران، تازه‌ترین حلقه از اقدامات بی منطق در شرایط فعلی است که پس از جنگ رمضان خبرساز شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، تجمع گروهی از بانوان کفن‌پوش مقابل ستاد کل فرماندهی سپاه پاسداران، تازه‌ترین حلقه از اقدامات بی منطق در شرایط فعلی است که پس از جنگ رمضان خبرساز شد.

قبل از این نیز رواق کشوردوست در نزدیکی مقتل رهبر شهید برپا شده بود تا مردم برای عرض ارادت به آن‌جا بروند. به روایت برگزارکنندگان رواق، تحصن گروهی از بانوان موسوم به کفن‌پوش و شعارهای تندشان علیه مسئولان، کار را به تعطیلی رواق کشاند.

چندی بعد، شعارهای تند علیه مسئولان در رواق دارالذکر حرم رضوی حاشیه دیگری آفرید. تازه‌ترین صحنه هم تجمع مقابل ستاد کل نیروهای مسلح و قرائت بیانیه‌ای تند علیه فرماندهان نظامی بود.

از رواق کشوردوست تا مقابل ستاد کل، محل تجمع عوض شده، اما منطق اعتراض یکی است. هر بار بخشی از مسئولان کشور در جایگاه متهم می‌نشینند. پرسش این است که این جمع کفن‌پوشان چگونه به چنین تصویری از کشور رسیده‌اند؟

اگر شعارها و بیانیه‌های بانوان کفن‌پوش را کنار سخنان برخی چهره‌ها و محافل مدعی انقلابی‌گری بگذاریم، یک شباهت به چشم می‌آید. همان اتهام‌هایی که از تریبون‌ها علیه رؤسای قوا و فرماندهان نظامی مطرح می‌شود، در تجمعات این گروه به شکل شعار و بیانیه ولی به صورت رادیکال‌تر تکرار می‌شود.

این شباهت دو توضیح دارد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، این بانوان آن‌قدر از چهره‌های مورد اعتمادشان شنیده‌اند که فلان تصمیم سازش است و فلان مسئول به رهبری خیانت کرده، که کم‌کم این اتهام‌ها را واقعیت مسلم دانسته‌اند. وقتی کسی باور کند مسئولان کشور در میانه جنگ مشغول خیانت‌اند، طبیعی است که تجمع مقابل یک مرکز قرارگاه نظامی را هم وظیفه خود بداند. احتمال دیگر این است که گروهی سیاسی آگاهانه خبرها و تحلیل‌های جهت‌دار در اختیار این جمع بگذارد و اعتراض آن‌ها را به سمتی ببرد که برای خودش سود سیاسی دارد. این دو احتمال می‌توانند هم‌زمان درست باشند. یک تریبون‌ها رد گمانی می‌سازد و یک جریان سیاسی می‌تواند از همان بدگمانی برای بسیج معترضان و فشار بر مسئولان استفاده کند.

وقتی نماینده‌ای در میانه جنگ از آنتن صداو سیما می‌گوید با تفاهم، کشور را مستعمره کرده‌ایم، مخاطب از این سخن چه برداشتی می‌کند؟ وقتی یکی از مدیران پیشین صداوسیما از تلاش عده‌ای برای برهم‌زدن ساختار ولایت فقیه حرف می‌زند و مصداق و سند روشنی پیش روی مردم نمی‌گذارد، ذهن مخاطب به کدام سو می‌رود؟ حالا به این دو، بیانیه‌های پیاپی یک طیف سیاسی علیه فرماندهان نظامی و مطالب فعالانی را اضافه کنید که مدام رؤسای قوا را سازشکار یا خائن می‌خوانند. در خوش‌بینانه‌ترین فرض، این بانوان همین روایت را جدی گرفته‌اند و بر مبنای تصویری مخدوش از وضعیت کشور دست به عمل می‌زنند.

فرض دیگر این است که جریانی سیاسی، عامدانه اطلاعات گزینشی و تحلیل‌های جهت‌دار در اختیار این جمع می‌گذارد و از عواطف آنان برای فشار بر مسئولان و فرماندهان استفاده می‌کند. برای سنجش این فرض باید پرسید چه کسانی خبرها و تحلیل‌ها را به این جمع می‌رسانند. فراخوان‌ها را تنظیم می‌کنند و در تدوین بیانیه‌ها نقش دارند.

قوه قضاییه در بررسی هر تخلف، باید دامنه رسیدگی را به رفتار افراد حاضر در تجمع محدود نکند. اگر شواهدی از هدایت یا استفاده ابزاری وجود دارد، سهم طراحان، سازمان‌دهندگان و پشتیبانان احتمالی هم باید روشن شود. چه کسانی این تصور را ساخته و رواج داده‌اند که دفاع از رهبری و کشور، از مسیر متهم‌کردن فرماندهان و مسئولان همان کشور می‌گذرد؟